



باید به فکر فهم جایگاه علم باشیم / فلسفه دلدادگی می‌خواهد

رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه ما با مسئله غربت علوم مواجه هستیم و باید به فکر فهم جایگاه علم باشیم، گفت: فلسفه و علم نمی‌تواند شغل باشد، اینها دلدادگی می‌خواهند.

رئیس فرهنگستان علوم با بیان اینکه ما با مسئله غربت علوم مواجه هستیم و باید به فکر فهم جایگاه علم باشیم، گفت: فلسفه و علم نمی‌تواند شغل باشد، اینها دلدادگی می‌خواهند.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم اهدای چهارمین و پنجمین دوره جایزه دکتر رضا داوری اردکانی عصر روز گذشته در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

داوری اردکانی در این مراسم گفت: جایزه ای که امروز اهدا می‌شود به اسم من است ولی بیشتر زحمت آن را دوستان من کشیده‌اند، چون آنها رساله‌ها را می‌خوانند و ددرسهایش را تحمل می‌کنند. مدیریت و هماهنگی برنامه هم که به عهده شهر کتاب است. بنابراین دوستان احسان می‌کنند و اسم من را روی جایزه می‌گذارند. یکی از مشکلات ما در دوره‌های گذشته این بود که دو سال پی در پی جایزه را به کسانی می‌دادیم که درباره هایدگر نوشته بودند. به همین دلیل من و دوستانم متهم به هایدگری بودن می‌شدیم. حالا اینکه چرا هایدگری بودن اتهام است من نمی‌دانم چون عده ای از بیرون خیال می‌کردند که ما تعمداً این کار را می‌کنیم در حالی که اصلاً اینطور نیست، ولی امسال خیلی خوشحال شدیم که جایزه به یک رساله خوب فلسفی و غیر هایدگری تعلق گرفت.

وی افزود: ما نمی‌دانیم جایگاه فلسفی چیست. فلسفه فیزیک احکام مربوط به فلسفه است که به همه علوم تسری داده می‌شود. ما باید درباره فلسفه علوم انسانی و اجتماعی کار کنیم. یکی از گرفتاری‌های من و همکارانم این است که وقتی یک دانشجوی رساله می‌نویسد باید استاد راهنما و مشاورش امضا کنند تا کارش پیش رود در حالی که این شیوه در رشته فلسفه و علوم انسانی درست نیست. علم ابژکتیو است و در آن لازم نیست دیالوگ وجود داشته باشد. در علم تفاهم لازم است ولی توافق لازم نیست. اگر ارسطو می‌خواست کتاب سیاست خود را بدهد تا افلاطون امضا کند او این کار را نمی‌کرد، ولی احترام افلاطون به ارسطو و برعکس آن محرز است. هیچ کس نمی‌تواند بزرگی کانت را منکر شود ولی این به معنای آن نیست که ما همه کانتی هستیم.

رئیس فرهنگستان علوم ادامه داد: در ۳۰-۴۰ سال اخیر در حوزه فلسفه کارهای خوبی کرده ایم ولی هنوز هم فقیر هستیم. یکی از دردهای ما این است که علم وسیله ارتقا و درجه شده است. علاوه بر این ما با مسئله غربت علوم مواجه هستیم. یعنی ما جهان علم و ارگانیسم دانایی نداریم که اگر داشتیم علم جایگاه دیگری داشت. ما به علم ظاهری و زبانی احترام می‌گذاریم، اما این احترام با احترام قلبی فرق دارد. واجب است که ما به فکر فهم جایگاه علم باشیم.

چهره ماندگار فلسفه اضافه کرد: آن زمان که من وارد دانشکده ادبیات شدم کتابها و منابع زیادی برای مطالعه وجود نداشت، اما امروز ما خیلی پیشرفت کرده ایم و منابع زیادی داریم اما فلسفه‌هایمان در خودشان محبوس و هر کدام مشغول کار خود هستند. فلسفه و علم نمی‌تواند شغل باشد. اینها دلدادگی می‌خواهند، مخصوصاً فلسفه که اگر دل ندهی فیلسوف نمی‌شوی. ما همه حرف خودمان را می‌زنیم و گوش نمی‌کنیم. متأسفانه به فلسفه گوش داده نمی‌شود. فلسفه آزادی، تفاهم و دیالوگ است در صورتی که علم، گوش دادن نمی‌خواهد چون قدرت دارد و کار خودش را می‌کند.

سارا فرجی